

ستاره سرخ

شماره سرخ - شماره ۱۲ - سال دوم

دی ۱۳۰۰ برابر زانویه ۱۹۲۲

سالی پیروزمند

سال ۲۱ سال پیروزی برای پرولتاریا و خلقهای جهان بود. تضادهای اساسی عصر کنونی جهان مبارزه بیشتر حدت یافته، پیوندهای تضاد بین خلقها و ملتها مستعدیده جهان از یکسو و امپریالیسم و سوسیال - امپریالیسم شوروی از سوی دیگر و همچنین تضاد بین امپریالیسم آمریکا و سوسیال - امپریالیسم شوروی - رشد وحدت این تضادها، سمای اساسی جهان ماراد در سال گذشته شکل بخشید و مستعد شده مبارزه را در سال نهمین ترمیم نمود.

مادر زیر در رابطه با این ویژگی سال گذشته، مبارزات و پیروزیهای پرولتاریا و خلقهای جهان و شکست های ناکامیها و توطئه های امپریالیسم آمریکا و سوسیال - امپریالیسم شوروی را اجمالاً مرور می کنیم:

در عرض ۲۶ سال گذشته پیر از جنگ جهانی دوم، امپریالیسم آمریکا هرگز باندازه سال گذشته با مشکلات داخلی و خارجی روبرو نبوده است. سال گذشته بدترین سانها برای امپریالیسم آمریکا بود و بر اثر مبارزه خلقهای امپریالیسم آمریکا بازم بیشتر تضعیف گردید. مبارزات خلقهای قهرمان ویتنام، لائوس و کامبوج نقش بسیار موثری در بوجود آوردن این شرایط ایفا کردند. این سه خلق قهرمان با عمیقتر ساختن جنگ توکله و توسعه آن، با تحکیم بازم بیشتر وحدت خود در سال گذشته ضربات بازم عظیم تر و مهلت تری به امپریالیسم آمریکا و ارتشهای یوشانی وارد ساختند و بدین ترتیب توطئه نیکسون را در باصلاح بومی لرن جنگ نقش بر آب ساختند.

هم اکنون خلقهای قهرمان هند و چین که در جلوی جبهه صد امپریالیسم آمریکا مبارزه میکنند، در آستانه پیروزیهای بازم بزرگتری قرار دارند. شکست امپریالیسم آمریکا و سوری راندن تمام و کمال نیروهای تجاوزکاران و از هند و چین حتمی است.

در جبهه صد امپریالیسم آمریکا در خاورمیانه خلقهای این منطقه پیروزیهای بزرگی بدست آوردند. خلق مصر با طمطمین به مبارزه سخت و بیخود خود علیه امپریالیسم آمریکا صهیونیسم اسرائیل و دیگر حکومتهای ارتجاعی نیروهای مسلح خلق فلسطین، ضربات شدیدی بنیروهار تجاوزکار اسرائیلی وارد ساختند. در سال گذشته جنس مسلح خلق فلسطین با آبدیدی و یخنکی بیشتر نشان داد که قادر است در برابر بزرگترین توطئه های مشترک آمریکا - اسرائیل - ملت حسین و همچنین سوسیال - امپریالیستهای شوروی نه تنها مقاومت کند بلکه آنها را با تارسازد، درهم شکند و به پیروی خود ادامه دهد.

در جبهه دیگر جنگ توده های در خاورمیانه، خلقهای مناطق ساحلی شبه جزیره عربستان در مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا، امپریالیسم انگلیس و مترجمین محلی پیروزیهای بزرگی بدست آوردند. هم اکنون قسمت اعظم سرزمین ظفار آزاد شده و نیروهای مسلح خلق در مناطق جنوب شرقی خلق فارس و سواحل دریای عمان بسط و توسعه یافته است.

در سراسر دنیای عرب مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا در سال گذشته رشد توسعه یافت و توده های وسیعتری به نقش امپریالیسم آمریکا در تجاوز به حقوق خلقهای عرب

پی بردند. مبارزه در آفریقا و آمریکای لاتین و دیگر مناطق آسیا بازم بیشتر توسعه یافت. جنبشهای مسلحانه آزاد بیخوش ملی و مبارزه برای استقلال زرهائی ملی عمیق تر گردید و گسترش یافت.

پرولتاریا و خلقهای کشورهای امپریالیستی در سال گذشته به مبارزات توده های خود آهنگ نوینی بخشیدند. اعتصابات کارگری سراسر جهان سرمایه داری را در سر گرفت. خلق آمریکا شدت عصب سیاست جنگ و تجاوز امپریالیسم آمریکا مبارزه کرد. پرولتاریا و خلق زاین در مخالفت با سیاست احیای مینتاریسم ژاپن بطور وسیع شرکت کردند. در دنیای سرمایه داری بحرانها و شکستهای متعددی بوجود آمد. امپریالیسم آمریکا دیگر نمیتوانست مثل سابق تسلط خود را بر دنیای سرمایه داری حفظ کند. وفات بین کشورهای سرمایه داری شدت یافت و این خود باعث تضعیف بیشتر قدرت امپریالیسم آمریکا گردید.

در حقیقت امپریالیسم آمریکا نه تنها با مبارزه پرولتاریا و خلقهای انقلابی جهان روبرو بود بلکه برابر پنجه افش بازم بیشتر سوسیال - امپریالیسم و رنایت شدیدی او با آمریکا برای تقسیم محددها و توسعه نفوذ خود بر اثر مقاومت کشورهای سرمایه داری در برابر اعتقاد فشار اقتصادی آمریکا و بالاخره بر اثر رند رفات امپریالیسم زاین با او، با تضادها و مشکلات نوینی روبرو گردید.

سوسیال - امپریالیسم شوروی در سال گذشته در راهی که امپریالیسم آمریکا رفته بود گامی فراتر نهاد و وبال بر خود را بازم بیشتر کشید. نیروی دریائی خود را به دورترین دریاها روانه داشت، به بوجاه کوشید پایتختها را نظامی در سراسر جهان بدست آورد و رویای تزارهای کهن را در برپا ساختن قدرت امپریالیستی روسیه در آبهای

گرم و سرد بواقعیت مبدل سازد. پنجه افش سوسیال - امپریالیسم شوروی در گبه زمینه ها، اقتصادی، سیاسی فرهنگی و نظامی توسعه یافت. در اکثر نقاط جهان به غارت منابع می کشورهای پرداخت و از طریق معاملات اقتصادی غیر عادلانه به استثمارگری دست زد. (نمونه ایران)

در بعضی جاها با فروش اسلحه و دادن با اصطلاح کتک مد بوجاه کوشید شوروا را زیر شترن سیاسی خود در آورد و استقلال آنها را یا مال سازد. (نمونه بعضی کشورهای عربی)

در بعضی مناطق از طریق دخالت و تجاوز غیر مستقیم کوشید حکومتهای دست نشانده خود را بسازد و یا بخشی از کشور مستقلی را جدا سازد. (نمونه لیبیا در سودان، دخالت در لیبستان و تجاوز عمدی به پاکستان) در خاورمیانه با تئانی با امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم عمد جنس وحدت و مبارزه انقلابی خلقهای عرب و فلسطین را گرفت.

اما بسط و توسعه غلبت غارتگرانه، تجاوز زارانه و دخالت گران سوسیال - امپریالیستها بنویه خود باعث رند آگاهی خلقها، ملل و کشورهای گردید و در همه جا سوسیال - امپریالیسم با مخالفت شدیدی روبرو شد. خلقهای عرب پیوندهای خلق فلسطین در برابر توطئه های سوسیال - امپریالیستها شدیدا مقاومت کردند و بعضی از دولتهای عرب علنا ماهیت امپریالیستی دولت شوروی را فاش نمودند.

پشتیبانی همه جانبه سوسیال - امپریالیسم از تجاوز هند به پاکستان بازم بیشتر او را در سطح جهانی منفرد ساخت.

تحت فشار فرار دادن کشورهای بالکان بویزه رومانی توسط روس و بزیونیستهای شوروی، این کشورها را به مقاومت بازم بیشتر کشاند.

سازر شوروی در راه برلین و سرنوشست جمهوری آلمان دمکرانیت، اردوی رومیونیستی را با تضاد های نوینی روبرو ساخت و تضاد های درونی آنها را حادث کرد.

بقیه در صفحه دوم

مسبب اصلی کیست؟

دهها هزار هم منهن زحمتکش مادران روزهای خانها و آواره شده اند. دولت عراق آنها را به زشت ترین وجهی از عراق بیرون می کند. ماموران عراقی بطور وحشیانه ای با مردم زحمتکش و فقیر مارتا می کنند. پلیس با بلند گوها جار میزند و ایرانیان را تهدید می کند که از خانه ها بیرون آیند و در بیکر خانه ها را برای پیدا کردن ایرانیها می شکنند. زن و فرزندان تعداد زیاد از کسانیکه را که بیرون کرده اند در وضع سخت و وحشی بسر میبرند. گرسنگی، گدائی، فحشا، و مرگ آنها را سخت تهدید می کند. مردم زحمتکش مامور شکجه و آزار ماموران امنیتی عراق فرار میگیرند.

از سوی دیگر رژیم ارتجاعی و مزدور ایران که تبلیغات و سرو صدای زیادی برای ابراه انداخته که از ایرانیان رانده شده بوسیله استقبال میکند و به آنها کار و وسکن میدهد، همانند همه کارهای دیگرش دروغ است. زحمتکش آواره را از سر سرز داخل مانیتهای در بسته میگرداند و با چندان زاندرم به مناطق دیگر انتقال میدهد و در اردوگاههای شه ساخته عملا زندانی می کند. بقرار اطلاع و نفر از این آوارگان که ضد فرار از اردوگاهها در مشهد داشتند، بضرط گولبه های سربازان شاه کشته شده اند. عده زیادی را در کله اخاند.

بقیه در صفحه دوم

روزیونیستهای شوروی دست اندر دست امپریالیسم آمریکا آنقدر اعمال زشت و اهریضی مرتکب شده اند که خلقهای انقلابی جهان آنها را بدون کیفی نخواهند گذاشت. خلقهای جهان اکنون بیام میخیزند. یک دوران نوین تاریخی هم اکنون آغاز شده است. این دوران، دوران مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و روزیونیسم شوروی است. ماشوتسه دون

مبارزات خلق خاموش نشدنی است

منطق مترجمین جهان در مبارزه علیه خلق توطئه چین است. باز هم توطئه چین بازم شکست و سرانجام نابود است. شاه هم بنا بر ماهیتش از این منطق پیروی میکند.

بالعالم تشکیل دادگاه نظامی برای محاکمه ۱۲۰ مبارز خلق توسط "مقام امنیتی" رژیم شاه بار دیگر نمایشات تبلیغاتی مزورانه ای را آغاز نمود و چند هدف را دنبال میکند:

اولین هدف فتن پوشتان جنایات عظیم خود در جریان "جشنها"، بویزه منحرف ساختن افکار عمومی از وضع چندین هزار زندانی سیاسی است که در آن زمان دستگیر شده اند. رژیم شاه برای حفظ "امنیت" بهنگام برگزاری "جشنها" دست بسرکوبی شدیدی زد و با اصطلاح در تمام ایران عملیات "پاک کردن و شانه کردن"، اجرا نمود و بزرگترین هزارها نگرانترین فرزندان خلق را بسپاه جالبهای زندان فرستاد.

دومین هدف رژیم بازم منحرف ساختن افکار عمومی از مبارزه وسیع مردم علیه "جشنها" است. مبارزه علیه "جشنها" بهیچوجه به مبارزه این ۲۰ انقلابی محدود نمیگردد. اکثر عظیمی از خلق ما با آن مخالف بودند و در سطح و بانسکال مختلف مخالفت خود را ابراز داشتند. شعار "ملت گورنسته جشن نمیخواهد" که نخست توسط دانشجویان مبارز دانشگاه تهران پیش نهاد شد تدریجا بشعار عمومی اکثر خلق تبدیل گردید. این مبارزات توده های مردم، وسیع بود و سراسر مین مارا در بر گرفت.

سومین هدفی که رژیم دنبال میکند تهمت زدن به گروه ها و سازمانهای سیاسی مبارز، تحریف مواضع سیاستهای آنها، وابسته کردن آنها به نیروهای خارجی است. و اینها همه وسایلی در دست رژیم خواهند بود برای توجیه کشتار مبارزان انقلابی.

در تیزید از اینها رژیم در مورد ماهیت سازمانها و گروه های سیاسی و شخصیت انقلابی و فاد از خلق در انتظار عمومی دیگری اعتبار است و زبونی و تجز او را در مقابل این شمله های خاموش نشدنی، نشان میدهد. این اولین بار نیست که شاه علیه خلقهای ایران توطئه میچیند. او برای حفظ تاج و تخت لیزان خود، برای ادامه سلطه طبقات حاکم - کمپرادورها و فئودالها - از همان آغاز سلطنت خود، بروی خلق شمشیر کشید و توطئه چید.

ایطیه جدا، نهایی انقلابی خلقهای آذربایجان و کردستان در سالهای ۲۰ توطئه چید و بدین منعی با آنها برخاست. اولیه جنبش عظیم ملی کردن صنایع نفت آشکارا مبارزه کرد و با تثبیت بانواع دسیسه ها حکومت ملی دگر صدق را با کت امپریالیستهای براننداخت، او سراز کودتای ننگین ۲۸ مرداد بسرکوبی خلق پرداخت، دستور قتل عام مبارزان را داد و هزاران انقلابی را از دم تیغ گذراند. او تمام وسیع توده های خلق را در ۱۵ خرداد ۲۲ بخن کشید.

فهرست جنایات شاه علیه خلقهای ما با اینجا خانته نمیباید. شاه رژیم آوازه هرچه خلقی، مترقی و انقلابیست، نفرت دارد و سراسر دوران نکبت بار حکومت او بران دسیسه ها و توطئه جنبه با علیه خلق و دستاورد های آن بوده است. در برابر منطق مترجمین، منطق خلق قرار دارد.

مبارزه، شکست، بازم مبارزه، بازم شکست... و سر انجام پیروزی. در اثر استشار و ستم طبقات مترجم حاکم، خلق راه دیگری جز مبارزه ندارد و مبارزات او از مراحل مختلف عبور میکند. در مرحله اول، خلق هنوز متشنج نیست. بقیه در صفحه دوم

عده دو قدرت مافوق بزرگ، امپریالیسم آمریکا و سوسیال - امپریالیسم شوروی متحداً مبارزه کنیم

بنیه مسیبت اصلی کیمت . . .
 کند . رژیم شاه هیچگاه دست او را در زحمتکشان و مردم مهین ما نبوده است . علت اساسی همه درگیری ها ، فقر و بدبختی های مردم ما را باید در وجود رژیم سلطنتی محمد رضا شاه جستجو کرد . در رابطه با راند هم میهنان ما از عراق هم باید مسیبت اصلی را که رژیم شاه است باز شناخت . زیرا او با بهیبه گرفتن نفس زاندارم در منطقه خلیج فارس ، عملاً به حقوق خلقها و کشورهای همسایه تجاوز میکند و میگوید آنها را به زیر سلطه خود درآورد . برای انجام این کار هیچ توطئه ای علیه این خلقها و کشورها ایا ندارد ؟

— هم اکنون بزرگترین بخش خارجی سازمان امنیت راجحش فعالیت جاسوسی در کشورهای عربی بویژه کشورهای همسایه عربی تشکیل میدهد و دولت اسرائیل رژیم شام را در این زمینه کمک میکند .

— رژیم عملاً اختلاف طولانی عراق و ایران را در رابطه با مساله خط العرب از طریق زیربغ خود تمام کرد .

— رژیم چندین بار دست به عملیات مستقیم نظامی علیه عراق زد .

— رژیم اخیراً با رژیم با زیر سه جزیره خلیج فارس را اشغال نمود و ارتش ارتجاعی شاه مردم عرب مقیم این جزایر را سرکوب کرد و ۳ نفر از پلیس محلی را بقتل رسانید . این امر باعث برخواستن خشم زیاد توده های خلق عرب علیه رژیم شاه گردید .

این زورگویی های رژیم ایران و بهیبه گرفتن نفس زاندارم در خلیج باعث مقاومت خلقهای عرب و کشورهای عربی گردیده است . این جنبه مقاومت و مبارزه علیه رژیم ایران مترقی است و کاملاً حق طلبانه میباشد .

ولی بیوز راندن ایرانیان مقیم عراق توسط دولت عراق از آنجا که لبه نیز آن متوجه مردم ایران و زحمتکشان است ، نه تنها به عاملی در مبارزه علیه رژیم ایران تبدیل نمیشود ، بلکه عملاً آب به آسیاب آن ریخته و مستقیماً به نجات رژیم خود خدمت میکند و بهیمن دلیل این کار دولت عراق ارتجاعی بوده و از طرف مردم ایران محکوم است .

ما رژیم شاه را مسیبت اصلی میدانیم ، چه علاوه بر دلایل ذکر شده بالا او برای جلوگیری از رشد روزافزون مبارزات مردم ما ، مذبوحانه میکوشد اختلافات میان دولت عراق و ایران را دائماً تزیید بخشد تا شرایط مناسبی را برای منحرف ساختن افکار عمومی و دور ساختن آن از مبارزه کمونی درون کشور و جلوگیری از رشد مبارزات مردم بوجود آورد . رژیم در عین حال بدین ترتیب مزوره میخواند در دروغ های بزرگ خود را در برچسب زدن به نیروهای انقلابی مبنی بر اینکه آنها دست پرورده دولت عراق هستند و توسط او اداره میشوند ، جا بیانه آید .

رژیم ایران همواره هنگامیکه مبارزات خلق های ما در حال رشد و توسعه بوده است از در اسلحه برای حفظ موقعیت خود استفاده کرده است ، که یکی سرکوب و کشتار و دیگری عوامفریبی میباشد .

چارو جنجال عوامفریبانه دستگاههای تبلیغاتی رژیم در هفته های اخیر ، مقصدی برای قتل بازم بیشتر هم میهنان مبارز ما میباشد .

— سیاست ارتجاعی دولت عراق در ریز کردن ایرانیان بقیه عراق اعتراض کیهو قطع فوری این سیاست را بخواهیم .

— به کمک زحمتکشان رانده شده بر خیزیم و با شیوه های گوناگون عملاً به آنها کمک کنیم .

— به هوشیاری خود با فزاینده مسیبت اصلی این وقایع را که رژیم شاه است افتخار کنیم .

— توطئه های رژیم را در لحظه کمونی که مبارزات مردم هر روز حادث تر میشود ، در سرکوبی و کشتار مبارزان انقلابی بر ملا سازیم و با مبارزه بیکیو ، متشکل و متحد در هم نزنیم !

— برای ایجاد همبستگی مبارزه جوانان و وحدت خلقهای ایران و عرب در مبارزه علیه امپریالیسم ، سوسیال — امپریا — لیسم ، صهیونیسم و مترجمین داخلی ، مبارزه کنیم .

بقیه نزارهای نوین . . .
 در زیره کشورهای مستقل بحساب آیند !
 واقعیت اینست که ریز ریز بنیستهای وطنی همانند عاملین امپریالیستها وظیفه دیگری جز دفاع از منافع سوسیالیستهای امپریالیستها برای خود نمیباشند .
 امروز مبارزه خلقهای ایران جهت آزادی و استقلال بطور جدی باید بری با مبارزه علیه سوسیال — امپریالیستها و عاملین داخلی آنها پیوند یافته و تا نابودی نهائی آنها به پیش خواهد رفت . این واقعیتی است که روز بروز روشن تر در برابر خلقهای ایران قرار میگردد .

بنیه سالی پیروزمند . . .
 حدیثه کیم در سال گذشته سوسیال — امپریالیسم با نیت افشای خود ، عمل شرایط را برای رشد مقاومت و مبارزه خلقهای جهان علیه خود فراهم تر ساخت . ریز مائوتسه دون چند سال پیش چنین گفت :
 " خلقهای تمام کشورها ، توده ها که سراسر از جمعیت را تشکیل میدهند ، در برابر یوز حواستار انقلاب میشوند و از مارکسیسم — لنینیسم پشتیبانی میکنند . آنها از ریز یوز — نسیم پشتیبانی نخواهند کرد . اگر چه با راهی از مردم مسلح است تا مدتی از ریز یوز نسیم پشتیبانی کنند ولی بالاخره آنها طرف خواهند برد . آنها حتماً بیدار میشوند علیه امپریالیستها و کلبه مترجمین جهان برمیخیزند و حتماً با ریز یوز نسیم از در مخالفت در خواهند آمد . " این آموزش مائوتسه دون در سال گذشته در عمل ثابت شد و مخالفت و مبارزه با سوسیال — امپریالیسم در همه وسیعی بخود گرفت .
 چین و آلبانی در جنبه داخلی به تحکیم دیکتاتوری پرولتاریا پرداختند و در زمینه ساختمان سوسیالیسم پیروزیهای بازم بیشتر بدست آوردند . ششمین کنگره حزب کار آلبانی در میان شور و شوق عظیم توده ها برای ادامه انقلاب تا آخر و سوسیالیسم ، سال گذشته برگزار گردید و پیروز خنده خنده خاتمه یافت .
 خلقهای سراسر جهان خواهان انقلابند . این جریان سد ناپدید دوران ما در سال گذشته بازم بیشتر شدت یافت و احزاب و سازمانهای مارکسیستی — لنینیستی واقعی از این خواست خلقها فاطمانه پشتیبانی کردند و در پیشاپیش آنها به انقلاب پرداختند .
 منتهای آزادی و کشورهای استقلال میخواهند . این بیت جریان رشد یابنده سال گذشته بود و پرولتاریای جهانی فاطمانه از این خواست ملل و کشورهای پشتیبانی کرد و بدین وسیله جنبه متحد ضد دولت مافوق بزرگ را توسعه بخشید و بازم بیشتر آنها را منقاد ساخت . احزاب و سازمانهای مارکسیستی — لنینیستی بویژه حزب کار آلبانی در جنبه جهانی مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و سوسیال — امپریالیسم شوروی توسعه بخشیدند و بازم بیشتر با نیروهای ضد امپریالیسم آمریکا و سوسیال امپریالیسم شوروی متحد گردیدند .

امپریالیسم آمریکا ماهیتر تغییر نکرد . است . سوسیال امپریالیسم شوروی عملاً امپریالیسم عمل میکند . آنها بنا بر ماهیتشان منطقی جز مخالفت با انقلاب خلقها آزادی ملتها و استقلال کشورها ندارند . آنها برای پیشبرد مقاصد بنیه خود به هر عملی دست میزنند و برای حذف هر مومنی جهانی خود و تقسیم مجدد جهان و توسعه مناطق نوعد خود توطئه می کنند . به بدیهه های ارتجاعی را تا نیزین می افتند . توطئه های امپریالیسم آمریکا و سوسیال امپریالیسم شوروی را تنها از طریق مبارزه مستقیم در برابر مشت میتوان با شکست روبرو ساخت و تنها از طریق مبارزه که اساسی ترین نوع آن حمله توده های ویکار برده شهر انقلابی است میتوان آنها را نابود ساخت . از این رو پرولتاریا ، احزاب و سازمانهای مارکسیستی — لنینیستی باید به هوشیاری خود بفرزایند ، با وسیعترین نیروی مسلح متحد شوند و پیروزیهای بازم بیشتر بدست آورند .

همه و تن پرولتاریا و خلقهای انقلابی سراسر جهان با پیروزی سال ۷۲ روم ، مارکسیسم — لنینیسم — اندیشه مائوتسه دون را میان توده ها بریم با آنها یکی نسیم ، بکنیم با بسط و توسعه نیروهای مترقی با کلبه نیروها ضد امپریالیسم آمریکا ، ضد سوسیال — امپریالیسم شوروی و ضد رژیم حاکم متحد نسیم و بدین ترتیب خود را بجزایران عظیم انقلابی و مترقی سال ۷۲ اندازیم و بسهم خوایم انقلاب را تسریع نمائیم .

بقیه مبارزه خلق . . .
 تجربه ارد و موقتا با شکست روبرو میشود . این امر از عدم تعادل نیرو و سیاستها در خط مشی سیاسی ناشی میگردد . اما او از شکستها درس میگیرد ، شهیدان خود را به خان میسار و با برافراشته نگه داشتن برچم سرخ مبارزاتی آنان ، صفوف خود را منظم میکند ، راسختر و سرسخانتر به مبارزه ادامه میدهد . خلق در ریجا قدرت خود را تقویت میبخشد ، در برابر تشکیلات و ارتش مترجمین ، تشکیلات و ارتش خود را بوجود میآورد و بالاخره تمام دشمن را نابود میسازد . این جبر تاریخ است .
 خلق مامعده علیشاه را با تمام قشون و قزاقهایش ، از تخت بزمین کشید . رضاخان قدر که هزاران توطئه علیه مردم چید سرانجام سرنگون شد . همین محمد رضا شاه ، بر اثر مبارزه مردم در مرداد ماه ۱۳۳۲ فراری گشت ، سرنوشته

واقعیت روستای ایران

روزنامه های اروپایطبی با محتوی زیر درج کردند :
 " خنتر ملکه انگلستان بهنگام مسافرت برای شرکت در " جشنهای " ۲۵۰۰ ساله روزی از اصطبل خصوصی شاه باز دید میبشد . او از کوهاسب دو ساله ای بنام " آتس " بی اندازه خویش میآید . شاهزاده " آن " رومه شاه کرده میگوید ، چقدر فستق است " شاه جواب میدهد : " چنگش " . و بدین ترتیب شاهزاده صاحب " آتس " مسرودر ، تحقفاً قایل شاه تنها ۲ میلیون ریال ارزش دارد .
 با توجه باین خبر به گوشه ای از واقعیات جامعه و زندگی در درناک دهقانان زحمتکش میهنان نگاه کنیم و آنرا از زبان خوانندگان " ستاره سحر " بشنویم و این دو را با هم مقایسه کنیم :

روشن فکر مبارزی مشاهده ات خود را از روستای ایران صی نامه شیرانگیزی چنین بیان میدارد :
 " درین شاکردن من کودکی زن رختشویی بود بنام سلما او ۶ سال بیشتر نداشت و چون سال قبل بعلت مریضی نتوانسته بود در مدرسه بخواند ، سماعی او امر او کرده و از این روز بازم در کلاس اول تحصیل میکرد .

یکروز بر حسب معمول وقتیکه مشغول بچه هارانگانه زده و خط میزد ، متوجه شدم که سلما منق ننوشته است . از او دلیل این امر را سؤال کردم . او سر تراپاشی انداخت و شروع کرد به گریه کردن . من خیلی تعجب کردم و هرچه از سلما سؤال نمودم که چرا منق ننوشته ای جواب نداد . ششم چون او را خیلی دوست داشتم گفتم عیب ندارد و مهم نیست و زیاد اصرار ننمودم .

پس از یکساعتی ، حدود ساعت ۵/۹ صبح سلما اجازه گرفت که به مدرسه برود و رفت و دیگر برنگشت . وقتی از شدت کلاس را برای روشن شدن امر بد نبال وی فرستادم برنگشت و گفت : سلما توی حیاط مدرسه است و سر تراپاشی نمآید ، گفتم چرا ؟ جواب داد : نمیدانم فقط گریه میبشد .
 وقتی خودم بد نبال او رفتم سلما را با رنگی زرد و چمناسی ریان یافتم . سؤال کردم سلما چرا گریه میکنی ، پس بگو نه شده ؟ گریه او شدت گرفت و به سئوالات مکرر من جواب نداد تا بالاخره وی را با خود سر کلاس آوردم .

بعد از ظهر آن روز مادر سلما پهلوی من آمد ، پس فریاد گشت مادر سلما است . زن پیری بود و حدود ۴۰ سال عمر داشت . لباسهایش زنده و کثیف بودند و از صورتش روح و تم میباید . پس گفت در شب ارباب او را سخت کتک زده و بدون نان از خانه بیرون کرده و او هم نان نداشت ، سلما هم در شب و صبح نان نخورد است . او سخواست ۱۵۰ ریال از من فریاد کرد و برای فرزندش نان تهیه کرد .
 خواننده دیگری مشاهده ات خود را بدینگونه بیان میکند :
 " بخاطر دارم که روزی تشنه را طاق نشسته بودم ، کودکی روان روان نسیم آمد و گفت : بانام روی زمین افتاده و مادر هم گریه میکند .

من از منزل خارج شدم و بسراغ آنها رفتم . در یک اطسار محقر جوانی دراز کشیده و از شدت درد بخود می پیچید و فریاد میزد . اطرافیان مضطرب پارچه ای را با آب گرم خیس کرده روی شکم او میگذاشتند و بوی نبات آب سرد میخوردند و نادیدن این منظره که خدا را صد کرده و بعد از مدتی

تزار روسیه ، هیتلر ، موسولینی ، جیان کایچک ، چه بود ؟ آنها هم زمانی قدرتمند بودند ولی در برابر اراده خلق به زانو درآیند و نابود گردیدند .

راه کسب پیروزی ، راست و هموار نیست . طبقات حاکم حاضر نیستند بعل خود از مسند قدرت پائین آیند . مقاومت میکنند ، توطئه میچینند ، نادوران تسلط زوال یابنده خود را طولانیتر سازند . داشتن دید طولانی در مبارزه از حسن واقعیت سرچشمه میگرد . چه مبارزه بخاطر سرنگونی طبقات استثمارگر و کسبک سالها بحتی قربنا طول کشد . در همین ماهم پرولتاریا بود بکربطقات و انتشار انقلابی در ایران اخیر پیروزیهای بزرگی بدست آورده اند . از چند سال پیش تا بحال اوضاع بازم بسود خلق جرخیده است . این بار ، بر اثر در س گرفتن از شکست ها و پیروزیهای گذشته بویژه انتقاد و طرد حزب رفقیستی و ریز یوز نسیم ، توده ایران ، بر اثر رشد تضاد های درونی جامعه و اوضاع مساعد انقلابی در سراسر جهان بویژه بارش آگاهی نیروهای پیشتاز و نفوذ روزافزون مارکسیسم — لنینیسم — اندیشه مائوتسه دون در میان توده ها ، رژیم شاه قادر نیست نیروی خلق را شکست دهد و امواج مبارزاتی یکسوی ایران یزگی برمیخیزد ، با هر نیروی و هر دگربری نوین ،

منهوت و کفتگو بنامند مریض راسوا را اغ کرده به مرکز بخش بیرم . سه چهار ساعت راه بود و دیر شده بود . جوان در میان فریادهای دردناک و زجر آوری و نگاههای متاسف و مایوس حاضرین کرم جان سیرد . . .

در توسیع وضع زارعین پیر و بیمار خسته چنین ، دوستی سلب زیزرا ارسال داشته است :

" زارعی که در ایام سلامت و قدرت جسمانی در سخت ترین وضع زندگی میکرد ، تصور این خانه نشینی و بیماریش و اعا غیر قابل تصور است . شاید بعضی از ما با وضع خسته چپهای دور در گردن فصل در رو و یا گدایان تابستانی ده آشنائی داشته باشیم . اینها زارعین در یوز و گدایان امروز هستند که در اثر پیری و یا در اثر فقر بیهوش و دست وجود دارو در رمان ، سلامت جسمانی خود را از دست داده اند . و یا زارعینی هستند که مورد عصب مالک فرار

گرفته اند و یا فرزندان خود سال آنان میباشند که عصاب کسروان آور پدر و مادر پیر خود شده و تنها و یا همراه آسپاد زیر آفتاب سوزان ، خسته های گندم و یا جیوا که بعد از دور روی زمین ریخته شده است جمع آوری میکنند .

معمولاً نتیجه زحمت روزانه آنها از دو سه کیلو گندم تجاوز نمیکند . و حداکثر در سال فقط بیست الی یکده میتوانند این کار را انجام دهند . در مواقع برداشت گندم ، ایس افراد چندین ساعت قبل از تحویل بقاضه چندین قدم روزن از خرمن میباشند تا شاید مباشر ارباب چندین سنت گندم که از بیست کیلو تجاوز نمیکند بآنها بدهد . وقتی اکثر اوقات بدستور ارباب یا مباشر بجای گندم مشت و لنگ تحویب آنان میدهند و از زمین دور میکنند . چه بسا در این میان بقیه گندم هائیکه از کار خسته چینی بدست آورده اند بروی زمین ریخته شود . گاهی اوقات بدستور ارباب حتی برای ازین برتن تنها منبع درآمد آنها : زوروشان بدست منوع میگردد .

این جریانات بیان کننده عمیقترین واقعیات جامعه ما هستند ، عبق تضاد های طبقاتی را در جامعه نشان میدهند و دو قطب تضاد و متضاد استعمار شده و استعمار شوند را بطور صریح نمایان میسازند .

این وضع مولود سیستم نکت بار موجود است ، سیستمی که بر پایه استعمار و ظم و ستم ستمی فئودال — بسوزوا کمپرادور بناگشته و حکومت موجود نگهد ارواحی آر میباشند . این واقعیت و این تضاد هال شرایط عینی اند شه بطور اجتناب ناپذیر در رین خود مقاومت و مبارزه ملیسون ها زحمتکش ایران را میبروراند و طلایه درونی عمیق اجتماعی را نوید میدهند .

مقاومت و مبارزه ای که هم اکنون در سطوح مختلف در جریان است ، با تلقی آگاهی سیاسی اندیزی با آن با عمو شدن و متشکل گشتن آن ، به آنگنان نیروی مادی بدل خواهد گردید که چون پتکی بر زمین موجود آوندگان این وضع و رژیم ضد ملی ضد انقلابی آنان وارد خواهد شد و با نابود کردن این بساط جامعه ای آزاد و مترقی بنا خواهد ساخت که حاکمیت مطلق آن در دست کارگران و دهقانان باشد . دوری نخواهد پایید که سلما ها ، دهقانان جوان زحمتکش و خسته چین هما دور بد و تر میلیونها زحمتکش دیگر شهر و ده بیا خیزند و این سیستم نکت بار را از بیخ و بن براندازند و شاه و عمالگان وی را به زباله دان تاریخ بریزند .

نطفه های دگرگویی نوین تری ریخته میشود و با افتادن هر انقلابی ، دهها انقلابی دیگر برمیخیزند . توطئه چینیهای اخیر رژیم نتیجه طبیعی وسعت و تعمیق مبارزات مردم است و خود باعث رشد بازم بیشتر این مبارزات خواهد شد . مگر در سالهای اخیر هزارها نفر را دستگیر کردند ؟ مگر آنها مصاحبه مرتبند اند ؟ نتیجه اش چه بود ؟ جز مقاومت بازم سرسخانتر و مبارزات بازم وسیعتر !

ما مطمئنیم با با فشاری بروی ادامه مبارزه توسط انقلاب بیون ، با سمت گیری صحیح پیوند بانوده های خلق توسط آنها و جلب نیروهای ملیونی به مبارزه ، این بار حزب کمونیست ایران در این جریان بوجود میآید و چون سنگان اری کیسر کشتی انقلاب را به پیروزی رهبری خواهد کرد .

به دفاع از مبارزان راه آزاد خلقی بر خیزیم ، در مکتب رزمند ه آنها خود را نوسازی کنیم ، وسیعترین توده هارانسیم به توطئه ها ، فتنه گریها و ظلم و ستمهای رژیم شاه آگاه سازیم و متحداً مبارزه را بجلو سوق دهیم !

قدرت خلق ، قدرت رزمندگان خلق ، لا یزال است . منظر خلق ، مبارزه ، شکست ، بازم مبارزه ، بازم شکست و سرانجام پیروزی است .

زنده باد همبستگی انقلابی خلقهای ایران و عرب

هند و چین

گورستان امپریالیسم آمریکا

۱۹ نوامبر ۱۹۷۱، محاذ با یازدهمین سالگرد تاسیس جنبه آزاد بیختر ملی جنوب ویشام بود. در همان ویشام، در یکرخلقه‌های هند و چین و تمام نیروهای انقلابی جهان این روز را جشن گرفتند. خلق جنوب ویشام تحت رهبری این جنبه در مدت ۱۱ سال گذشته با یافشاری روی جنگ توده‌های توانسته یکی از بزرگترین قدرتهای امپریالیستی را برانهد و در آورده.

امپریالیسم آمریکا، بحیال نجات خود از شکست حتمی دست به توسعه جنگ زد و به لائوس و کامبوج تجاوز کرد. نتیجه‌ای که گرفت شکست و سرنگ شدن جنگ توده‌های در این سرزمین ها بود.

خلقهای این سه کشور متحد و در همکاری نزدیک با هم، قادر شده اند تمام توطئه‌های امپریالیسم آمریکا را یکی پس از دیگری درهم شکنند. پیرویهایی بزرگ خلق‌های هند و چین در سال اخیر بویژه در لائوس و کامبوج مرگ امپریالیسم آمریکا را در هند و چین خیلی نزدیکتر کرده است. تجاوزات هوایی امپریالیسم آمریکا در ماه‌های اخیر به ویشام نمایی در حقیقت از یکسوم ماهیت توسعه طلبی او را نشان میدهد و از سوی دیگر نمود آری است از آخر سن تازیمد بوجانه برای جلوگیری از شکست حتمی. اما توطئه توسعه‌ی جنگ هوایی نیکسون هم مثل توطئه‌های دیگر آنها از قبیل جنگ ویزه، ایجاد دهکده‌های استراتژیک، هند و جینی کردن جنگ ویزه سرنوشتی جز شکست نخواهد داشت. مبارزات عظیم و تاریخی خلق‌های پهرمان هند و چین علیه امپریالیسم آمریکا همیشه برای خلق‌ها و انقلابیون ایرانی الیهی بخش بود و هکدام مینویسند مبارزه آنها میباید متواضعانه از خلق و رفقای انقلابی هند و چین بیاموزیم، آنها را نمونه خوبی برای خود در یافشاری روی جنگ توده‌های، بسیج وسیعترین توده‌های خلق و استواری و یاید آری در مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا قرار دهیم. ما از این فرصت استفاده می‌کنیم و سرگشته‌تری را که اخیرا خبرگزاری جنبه آزاد بیختر ملی جنوب ویشام منتشر ساخته است در زیر می‌آوریم. این نوشته کوتاه سرگشته‌های فهرمانیهای یک پارتیزان زن بنام لفتی هونگ کام است. در هند و چین زنان نقش بسیار مهمی در پیشبرد امر انقلاب بعهده دارند. آنها در عین نشان داده‌اند که قادرند در تمام جنبه‌ها هم‌دوش مردان قهرمانانه بخاطر درهم شکنستن تجاوز امپریالیسم آمریکا و رهائی ملی مبارزه کنند. این موضوع هم بنویس خود برای انقلابیون ایران جنبه آموزشی بزرگی را دارد.

سه پارتیزان زن تازه از اینها گاه مخفی خود بیرون می‌آیند که هلیکوپترهای دشمن روی سرشان ظاهر شدند. آنها برای انجام وظیفه‌ها در جلگه تاب موای واقع در دلای میکونگ، در جنوب ویشام در راه بودند.

هر سه پارتیزان فقط یک مسلسل داشتند و احتمال دستگیری آنها توسط دشمن زیاد بود. یکی از آنها بنام له تی هونگ کام در اینموقع فوراً تصمیم خود را گرفت:

مجله کنید "او از هم‌زمانش خواست. شما خود را بریز درختان برسانید و پنهان شوید. من به حساب این اهریمنان می‌روم!"

هنگامیکه آنها برای پنهان ساختن خود میدویدند یکی از هلیکوپترها پایش آمد و خطی از نزدیکان آنها را تعقیب کرد. در اینموقع هونگ نام هلیکوپتر را به آتش مسلسل بست تیرهای سه هدف اصابت کرد و لحظه‌ای بعد هلیکوپتر در نزدیکی او منفجر شد. او در راه پنهان ساختن خود بود که دومین هلیکوپتر سر رسید و به زمین نشست. سرانجام ۱۲ سرباز ارتش یونانی سابقین بیرون ریختند و هونگ کام را از چهار طرف محاصره کردند. آنها از هرسو تیر و سه تیراندازی نمودند. هونگ کام تنها ۱۰ فشنگ براسی باقی مانده بود. در میان آتش خفه آنها، با حفظ خون سردی کامل نشانه میرفت و یک بیلک تیرهای خود را هم ساخت او به ترتیب سه تن از دشمن را به زمین انداخت و هنگامیکه آخرین فشنگ خود را هم میزد مورد اصابت گلوله هاوار بی شمار دشمن قرار گرفت. اما قبل از اینکه از پای درآید تمام نیروی خود را جمع کرده و سلاح خود را خورد کرد تا برای استفاده بدست دشمن نیفتد.

این واقعه سان گذشته اتفاق افتاد. حکومت موقت انقلابی جمهوری ویشام، اخیراً بخاطر فهرمانیهای هونگ کام این زن رزمنده، که تا آخرین نفس جنگید، او را به لقب



فهرمان خلق ویشام مفتح ساخت.

این زن رزمنده که چنان فهرمانانه جان خود را در راه خلق هدایت از بیت خانواده‌ی - فعال فخر انقلابی برتخت او در جنگ تاب موای نوبت ناخت و بزرگ شد. برادر او خواهران او هند و بریدر و مادرشان جنگیدند و در آن شرکت جستند. در کودکی او همیشه هنگامیکه کادرها برای فعالیت انقلابی به‌دهات می‌رفتند، در پیشاپیس آنها حرکت میکرد.

آرزوی این بود که روزی عضو واحد پارتیزانی شود. بزرگترین خواستش در این بود که تفنگ در دست درآید. از میهن عزیزش، با بعد از تیرد بگارد و فتنه آمریکا و دولت یونانی سابقین را نابود سازد. بالاخره در ۱۶ سالگی او به آرزوی خود رسید و وارد یک واحد پارتیزانی شد. اولی و ضعیفانه در مناشش روستائی نزدیک بود. او بیست و بدون هیچگونه ترس و وحشتی اظط اوقات از جاهائی که نیروی دشمن متمرکز بود، میگذشت و وجه شب و چه روز هنگامی که حامل پیامی بود از میان نیروهای دشمن عبور میکرد. بارها توانست هنگامیکه خطر دشمنی شد سر توسط نیروهای دشمن زبار شود با مهارت کامل از جنگ آنها فرار کند و پیام خود را به مقصد برساند. برای مدت طولانی او کاری را انجام میداد که معمولاً به ندرت انجام میدادند. یکبار که وظیفه‌ای به او محول شد رفت مشول هند از راه که مشکلی - زیادی در پیشتر حواحد داشت. او بدون کوچکترین تردیدی چنین گفت: "وظیفه‌ای که انقلاب را دگر میزند، صرفنظر از هرگونه مشکلات و یا شرایط بعرضی، باید بخوبی انجام گیرد. در این راه اگر انسان جان خود را فدای کند، ارزشمند است. مرگ برای انقلاب و خلق، مرگی است برارتر."

هونگ کام در او احوال ۶۸ به معاونت رهبری واحد پارتیزانی محل زادگاهش منصوب شد. مدتی کوتاه پس از تعمر فصل خشک گذشته بود، در این تحریر نیروهای مسلح خلق جنوب ویشام، قادر شدند ضربات میلیتی به نیروهای دشمن وارد سازند. حالا نیروهای ارتش آمریکا و حکومت یونانی سابقین مدیوحانه دست بحملات متقابل میزدند. دشمن زخم حوره - برای اجرای نقشه خود از وحشیانه تری و حیل‌گرانه ترین ابزارو فنس استفاده میکرد. او به عین میکوشید تا از این طریق انقلاب را نابود سازد. هونگ کام هنگامیکه در جریان اند با مشکلات روبرو میشد، روحیه عالی خود را حفظ میکرد و هیچگاه خون سردی خود را از دست نمیداد. او در چنین اوضاعی با روحیه عالی و مصمم به ستاد فرماندهی نیروهای پارتیزانی در بیوست ناگادرها، پارتیزانها و اهالی ده را برای عجم گذاشتن نقشه

و متحد سازد. برخوردار او به مشکلات این بود که اکثر آنها را از میان برنده ارم باقی میمانند. در نتیجه جنس برخوردار دیگران او میاموختند و همانند او عمل میکرد هونگ کام، هنگام فعالیت خود در این منطقه سه مشکلاتترین و خطرناکترین جاها رفت، تانوده‌ها را بسج و مشتگ سازد و به آنها کمک کند تا قدرت سیاسی محلی برپا سازند. هنگام عبور از رودخانه‌های تحت کنترل دشمن او اولین کسی بود که به آب میزد. هنگامیکه دشمن به آنها شبخون میزد، او اولین کسی بود که حلقه دشمن را میشکست. هونگ کام با هم‌زمانی در مدتی نسبتاً کوتاه در ۵۶ نمر یادش شرکت جستند و ۲۸۰ نفر از تنوش یونانی را از میان برداشتند. او ۲۶ نفر از آنها را که شامل ۱۶ نفر آمریکا، بی با یک افسر بود نابود ساخت. در هنگام تیرد هونگ نام شجاع با عر و دارای روحیه عالی رزمنده بود. او توانائی عظیمی در گفتن به دیگران داشت. هونگ

ستاره سرح و خوانندگان

مجله‌های انتشار خود را آغاز کرده بسانید بخوبی و با جدیت تمام ادامه یابد. این مسئولیت هم برعهده کارکنان مجله و هم برعهده خوانندگان است. این نشانه حائز اهمیت فراوان است که خوانندگان نظریات خود را ابراز کنند. نامه و مقالات کوتاهی بنویسند حائز از اینکه چه چیز آنها را خوشایند است و چه چیز مورد پسند آنها نیست. این یکنانه راه تضمین موفقیت مجله است. (مائتوسه دون)

مقاله‌ی شماره قبل "ستاره سرح" تحت عنوان "مردم و متحکک جشن‌ها" باعث گردید تا عده‌های از دوستان ما درباره میزان آگاهی و درجه شدت مبارزات مردم پهرمان برگزاری جشنها، به بحث و تعمیم بپردازند. این امر خوب است و خود نشانه‌ای از دقت مبارزان خارج در رابطه با مساله سطح آگاهی توده‌ها و اهمیت حرکت از سطح آنها میباشد. ما با همگانی ساختن این بحث و آوردن آن در "ستاره سرح" بطور مشحور و هدف‌دار در بیان می‌کنیم. اول اینکه از اینطریق اهمیت برگشتن به ایران و شرکت مستقیم در مبارزات توده‌ها را مطرح کنیم. دوم اینکه شناخت خود را از سطح واقعی مبارزات مردم در ایران بالا ببریم. امیدواریم رفقا و دوستان ما با شرکت حقی خود در این بحث به امر رسیدن به این هدف‌ها کمک نمایند.

نظرات کوتاگونی درباره این مقاله اصرار شده است که ما در اینجا بر خود را به نظرانی که جنبه انتقادی به آن داشته‌اند و ناانده‌ای آنرا طو آمیز دانسته‌اند محدود می‌سازیم - خواننده‌های چنین مینویسند: "ساله مردم و متحکک جشنها" بنظر من البته قدری اغراق آمیز میاید، بخصوص قسمتی که مادر و پسر صحبت می‌کنند، چون در شرایطی که حکومت، فشار و ترور خود را تشدید میکند (یعنی حتی شدت ترازندید) مردم نمی‌توانند باین واسعی و بنده صحبت کنند. بدون اینکه در کنار اشتکالاتی ننویسند، البته امکان دارد که مسر بهت در خلق بودن، روحیه بیخاش جو و اتمسفر انقلابی محلی که مردم در خاشاش بدلیشان رسیده است، کم بها، میدهم، که امیدوارم اینطور باشد."

ما در زیر - بر وجود باین نظرات و نکته مطرح میسازیم: بنظر ما علت اساسی نا باوریهایی بعضی از خوانندگان آن است که دوست ما در بالا آورده است. کام به خانه همه در همانا فسر سرمیزد. همراه توده‌ها او بیت تنگی پایگاههای مقاومت بنا نرد. بدین ترتیب که سنگرها و دهات را بهم ارتباط میداد. او با رفقای ستاد رهبری نیروی پارتیزانی - در تجارب جنگ را جمع‌بندی کرد و بت نیروی مسلح بوجود آورد. با کمک او ندریجا هسته اولیه سه نفری نیروی پارتیزانی به تیره پارتیزانی بر قدرتی تبدیل شد. پس از کسب پیروزیهای درخشان در عرض مدت سال مبارزه، گروه هونگ کام به نیروی منطقه‌ای ملحق شد. در جریان حث هنگامیکه شعله‌های جنگ علیه تجاوز آمریکا و بخاطر رهائی ملی دامنه وسیعی میکرفت، هونگ کام در عم و شادی توده‌ها شریک بود و همیشه پیوسته فتنه‌های با آنها داشت. بهر خانواده‌های که سرمیزد، صرفنظر از اینکه چه مدت میماند، خود را عضو آن خانواده میدانست، همیشه دستارها بالا میزد و به آنها خدمت میآورد. اطمان و حیات را حارو میکرد، آب میآورد، خمیر جمع میکرد، سکر و استحکامات میساخت، در کار مزرعه کمک میکرد و با با کارهای ضروری دیگر میپرداخت. همه خانواده‌ها او را به چشم فرزند خود میدیدند. به او اعتماد داشتند و او را هنگام فعالیت‌هایش حفظ میکردند و نعت میخواندند.

هونگ کام شهید شد، اما روحیه تسلیم‌ناپذیر او، فهرمانی‌های او، شجاعت عظیم او در تیرد برای همیشه با نام جلگه تاب موای، موطن بومی عزیزش در هم آسخته خواهد شد و به خلق پهرمان ویشام الهام میبخشد که فهرمانانه تا کسب پیروزی و شکست راهزنان متجاوز آمریکا می‌و غاطس آنها، به پیش روند.

این واقعه‌ی سان که اکثر خوانندگان ما در خارج کشور سرمی‌سازند و ارمیان آنها شناسی هستند که سانها از ایران دور بودند و در نتیجه از مبارزات عینی خود را از سطح آگاهی توده‌ها، از خواست عادی و موری توده‌ها دور افتاده‌اند. بنظر من از آنکه بعضی احتیاطی و منشا ضعیفی بعضی‌ها در ایران هم جدا از توده‌ها زندگی میگردانند.

با دور ماندن از واقعات زندگی مردم و مبارزات آنها قادر نیستیم با اوصاف تعریف یافته خود را سریع انتظاها در هم، نوسازی عمیق کنیم و بهیچاری در حد حد را با واقعیت عینی تقابلی ندیم. دوری از انقلاب، دوری از برانیت اجتماعی بویژه مبارزه طبیعی توده‌های میهنی، دوری از جنبشهای توده‌های انقلابی را به حالتی مشکوک که دیگر از طریق کتاب، روزنامه و امثالهم قادر نمیشوند خوب نوسازی کنند. بگذریم از اینکه چه بسا گامها و روزنامه‌ها و وسائل دیگر ارتباطی خود نتوانند حقایق را متعکس سازند. ولی بهرحال در رابطه با سطح آگاهی توده‌ها و سطح مبارزاتی آنها در ایران ما در سال گذشته در مضبوطات مخالف رژیم و در مضبوطات خارجی، اخبار زیادی که متعکس کننده واقعه‌ی زندگی و مبارزه مردم بود خوانیم. "ستاره سرح" هم بنویس خود گوشه‌ای از این مبارزات را متعکس ساخت و به کرات در صفحات هر شماره تاکید کرد که وقایع و رخدادها نشان میدهند که توده‌های رضایی توده‌ها هر روز عینی‌تر می‌شوند و توسعه مییابند. ما با انعکاس گوشه‌ای از مبارزات روحانیون، دانشجوین، اقتصادیات کارگران، مبارزات توده‌های وسیع در تهران علیه بالا بردن نرخ کرایه اتوبوسها، ناراضی‌های دهانان و بالاخره مقاومت و اعلام انتقاد و اعتراض آشکار علیه برگزاری جشن‌ها "در سراسر ایران، تا اندازهای سعی کردیم شرایط و واقعه‌ی مبارزاتی را نشان دهیم.

"ستاره سرح" بکرات با انتشار اخبار مبارزاتی در ایران حدت و توسعه مبارزات مردم را باز کونوده و در آستانه جشنها در شماره‌های ۱۴ و ۱۵ طی مقاله‌ای "ملت گرسنه جشن نمیخواهد" در رابطه با روحیه مردم و ناراضی و سطح مبارزاتی آنها، از فون خواننده‌های که خود ناخر برخوردار مردم به مساله "جشن‌ها" بوده است از جمله چنین نوشت: "آنجبه به نظر جالب است، این میباید که قبل از مردم اگر چه ناراضی بودند ولی صدایشان در نیامد، در صورتیکه بهر سر ساله "جشن‌ها" صدای مردم بطور عجمی درآمده است... علنا و صریحا بدستگاه و جریان "جشن‌ها" و دلفتن بازی‌های آن فخر میدهند. درست مثل اینکه تاز به استخوانشان رسیده باشد." (تکیه از ماست) آیا با در نظر گرفتن دوستان مبارزه مردم که گوشه‌هایی از آنرا نشرویات حد رژیم در خارج متعکس ساختند، آیا بسا توجه به روحیه رزمنده فهرمانان خلق که در دو سال گذشته بطور استوار در سمت خلق قرار گرفتند و در بدترین شرایط زندان و شکنجه مقاومت کردند و در برابر فهرصد انقلابی ارتجاع دلیرانه ایستادند، آیا با در نظر گرفتن فشارهای سخت و حصر اقتصادی، سیاسی بنوده‌های وسیع مردم در آستانه برگزاری "جشن‌ها" و از همه مهمتر بی معنی بودن و "متحکک بودن جشن‌ها" و جنبه تحمیلی داشتن آنها، باز هم صحبت‌های مسافران اتوبوس در روز واقعه بنظر می‌رسند؟

روشنفروان معمولاً دارای شیوه تفکر ذهنی هستند و به علت اینکه دانش آنها بطور عمده از طریق کتاب بدست آمده شگاف بزرگی بین دشمنیت آنها و واقعیت عینی موجود است. اهمیت امر نوسازی برای روشنفروان از همین جا ناشی میشود و بنظر ما راه اساسی و عمده آنبهم رفتن به میان توده‌ها، در تماس مستقیم قرار گرفتن با مبارزات آنها و شرکت فعال در آنهاست.

ما باز هم در آینده در این باره خواهیم نوشت و خود را با کتفای از رفیق مائتوسه دون ختم میکنیم "برای کسیکه بخواند بدیده‌ای را بشناسد، راه دوری نیست مگر اینکه شخصاً با آن بدیده در تماس بیاید، یعنی زندگی (برانیت) را در محیط آن بدیده بگذراند... تمام معلومات واقعی از تجربه مستقیم سرچشمه میشوند."

نشانی توده و ستاره سرح

آدرس پستی: Mme. PAOLA DI CORI C.P. 493 S.SILVESTRO ROMA - ITALY

جنگ خلق در هند و چین پیروز است!

تجاوزی آشکار، هدفی پلید

بالاخره توطئه کوبهای سوسیال - امپریالیسم، دولت هند و مرتجعین محلی در پاکستان، به جنگ خونینی منجر گردید و بد نبال تجاوز ارتش هند وستان به پاکستان مقدمه تجزیه بنگال شرقی از پاکستان فراهم شد.

ارتش هند وستان که قبلا با سو استفاده از شرایط نامناسب حاصل از جنگ داخلی در بنگال شرقی، عملاً بد آنجا تجاوز میکرد، این بار به بهانه بازگرداندن آوارگان بنگالی سرزمین خویش، رسماً قوتونهای خود را وارد جنگ نمود و تا اکتا، پایتخت بنگال شرقی، آنها را پیش براند و با کشتار وحشیانه هزاران نفر، بخشهایی از خاک پاکستان را اشغال نمود و بالاخره مقاصد شوم توسعه طلبانه خود را بخلقه پایتخت، مرحله عمل در آورد. بطوریکه هنوز هم به اشغال نظامی خود ادامه میدهد.

سوسیال - امپریالیستها فعلاً تا از این تجاوز غیرقابل انکار، که در تارک آن نیز شرکت داشتند، دفاع نمودند و در محیوه جنگ، زمانیکه اغلب کشورهای این عمل تجاوزی را محکوم میکردند و تقاضای ختم جنگ را داشتند، و قیاحه در شورای امنیت در بار از حق و تو استفاده نمودند و برای اجرای حملات ارتش هند ی به پاکستان هموار ساختند.

ولی آنچه مورد توجه است، درک و توضیح مقاصد سوسیال امپریالیستها و هیات حاکمه هند وستان در اجرای این جنگ تجاوزی است:

۱ - هند وستان از همان اوان تشکیل دولت پاکستان و بعد تجزیه این دو کشور، بر اساس دلائل غیر واقعی و کاذب، ستا با وجود دولت مستقل پاکستان مخالف بوده و بارها برای از بین بردن و تصرف آن اقدام نموده است. بخصوص در سال های اخیر که رویای تبدیل شدن بیک قدرت بزرگ را در آن منطقه از آسیا در سر میروانند.

نهم در سال ۱۹۴۴ در شب "کشف هند" میگفت: "سرنوشت کشورهای ملی کوچک، نابود است، مگسک آنها بعنوان یک منطقه خود مختار فرهنگی ادامه حیات دهند اما نه بعنوان یک واحد سیاسی مستقل".

هیات حاکمه فعلی هند وستان، که نقش هند را در جنوب آسیا و قیاقون هند، هنوز بعنوان یک قدرت بزرگ میندازد و جاه طلبی های احمقانه نهم و افروختن نمودند، آرزو در تمام کشورهای این منطقه راحت نفوذ خود در آورد.

بخصوص اکنون که از نظر سیاسی و نظامی نیز از جانب سوسیال امپریالیسم تقویت میگردد، این دید توسعه طلبانه آنها نشدید یافته است. امروز ارتش ۲۸ لشکری هند وستان که ۷۰۰ هواپیما و نیروی دریایی بزرگی در اختیار دارد، بطور عمده (۸۰٪) توسط سوسیال - امپریالیستها مسلح میشود از نظر اقتصاد نیز چه از طریق وام، چه از طریق ایجاد صنایع بزرگ و کوچک از طرف آنان حمایت میگردد. قرارداد اوت ۱۹۷۱ بین شوروی و هند وستان مرحله ای مهم از همکاری بین این دو نیروی ارتجاعی و باز نمودن راه برای تجاوزات بعدی بوده است.

۲ - بنگال منطقه ای "خطرناک" و آماده انقلاب محسوب می شود. این "خطر" نه تنها در بنگال شرقی، بلکه در بنگال غربی نیز موجود است. رشد جریانات انقلابی در این منطقه، توسعه واد یکال نمودن مبارزات خلعها را در آنجا نمیتواند بد نبال د اشتی باشد. ارتجاع هند و سوسیال - امپریالیسم، بمثابة هر نیروی ضد خلقی و ضد انقلابی، در مقابل چنین "خطر" و همچنین در مقابل رشد روز افزون جنبش مارکسیستی - لنینیستی در بنگال و هند وستان، عکس العمل نشان میدهند و کوشش در سرکوبی و توطئه چینی علیه آن مینمایند.

همکاری و پشتیبانی سوسیال - امپریالیستها از ارتجاع هند و تجاوز مشترک بخاک پاکستان، سو استفاده از گرایشات خود مختاری در بنگال شرقی همگی برای کنترل نیروی عظیم انقلابی و قابل انقباض برای گمراه نمودن آن انجام میگردد. اعمال زور بوسیله جنگ تجاوزی و اشغال نظامی بنگال شرقی نیز فوریترین راه برای سرکوبی آن نیرو و اجرای مقاصد ضد انقلابیست.

۳ - دشمنی هیات حاکمه هند و خصوص سرسختانه سوسیال - امپریالیسم با چنین توده های عامل مهم دیگری در راه انداختن آنش این جنگ تجاوزی بوده است. هدف استراتژی سوسیال - امپریالیستها، بوجود آوردن حلقه ضد - جینی در اطراف مرزهای چین توده های میانشد. تجاوزات مستقیم قبلی آنان بر مرزهای چین توده های، که نتیجه ای برای آنها نداشت - اگرچه هنوز تعدد از زیاده های خود را در مرزهای آن کشور مستقر نمودند - حمایت از تجاوزات هند وستان بر مرزهای چین توده های در سال ۱۹۶۲ و مسلح

تزارهای نوین غارتگران منابع گاز

یکی از خصوصیات دولتهای امپریالیستی در اینست که با استفاده از موقعیت برتر اقتصادی، فنی و نظامی خویش و با آلت فعلی قرارداد حذومتهای ارتجاعی، دست به غارت منابع و ثروتهای طبیعی کشورهای دیگر و آنان را تبدیل به مولدین مواد خام برای صنایع خود میسازند و از این طریق صنایع خود را اقتصادی مستقل و همه جانبه را از اینگونه کشورهای غلبه میکنند.

در کشورهای ایران نیز از بیاز استعمارگران بدینگونه عمل میکنند. سوسیال - امپریالیستها نیز همانند استعمارهای کهن روسیه، اینگونه روابط استعمارگرانه را با ایران از سر گرفته اند.

نمونه قرارداد دولتهای ایران و شوروی در مورد منابع گاز، گوشه ای از اهمیت این روابط را نشان میدهد. بر پایه این قرارداد که بهنگام سفر شاه شوروی بسته شد، سوسیال - امپریالیستها منابع عظیمی از گاز کشور ما را با قیمت بسیار ناانسانی در اختیار خود در آوردند. به چگونگی این غارتگری بارها از طرف نیروهای ملی جامعه ما اشاره شده و مردم میهن ما هر روز بیشتر با اهمیت آن بی میروند. برای اشنای همه جانبه تر به چند خصوصیت آن اشاره میکنم:

مطابق قرارداد، شوروی بابت هر یک میلیون بی - تی (بر واحد ارتش حرارتی گاز) گاز ایران، ۱۵/۶۰ سنت میپردازد. از طرف دیگر همین مقدار گاز را بقیمت ۴۲ سنت به چکسلواکی و آلمان میفروشد. قابل توجه است که الجزیره همین مقدار از گاز خود را ۶۲ سنت و لیبی ۴۳ سنت بفروش میسازند (۳ تا ۵ برابر قیمت گاز ایران). مقدار گازیکه سوسیال - امپریالیستها روزانه از ایران خارج میکنند ۶۰۰ میلیون فوت مکعب است که تا سال ۱۹۷۷ به ۱۰۵۰ میلیون فوت مکعب خواهد رسید. بخشی دیگر شوروی بابت هر هزار فوت مکعب ۱۸/۷ سنت به ایران میپردازد و همان گاز را بکشورهای دیگر قریب ۴۰ سنت میفروشد. بیت محاسبه ساده روشن میسازد که بطور متوسط سالانه بالغ بر ۶۰ میلیون دلار سود حاصل از این تریو نصب سوسیال - امپریالیستها میگردد.

تکته دیگر آنکه قرارداد شام با خمان لوله سراسری برای حمل گاز به شوروی میباید که مخارج آن بالغ بر ۲۴۵ میلیون دلار است و دولت ایران این مخارج سراسر آور از طریق وام ۲۰ ساله از سراسر سیم بانکهای اروپایی تأمین میکند. بهر آن ۵۸ میلیون دلار در سال است. درآمد ایران از گاز در سال ۱۹۶۰ تنها ۱۱ میلیون دلار میباشد که در بهترین حالت در سال ۱۹۶۷ به ۱۱ میلیون دلار خواهد رسید.

بدین ترتیب روشن میگردد که ظاهر امر اینست که ایران از گاز خود استفاده میکند و آنرا بفروش میسازد ولی در عمل مبلغی را که بابت فروش گاز از شوروی دریافت میگرد باید - بدستی بعنوان بهره وام تقسیم بانکهای امپریالیستهای غربی نماید. وام ۲۲۵ میلیون دلار اصل وام، مخارج سالانه حفظ لوله ها و سازماندهی حمل گاز باقی

برای پیروزی های با زهم بیشتر متحد شویم!

تجربه نشان میدهد که هرگاه به مساله جلب و متشکل نمودن توده های دانشجو برای پیشبرد مبارزات و بسط و توسعه پایهای کفدراسیون و حفظ و تحکیم آن توجه داشته، موفقیتهای بزرگی بدست آمده است.

در کنگره اسامال نیز نمایندگان و شرکت کنندگان کوشش نمودند که با مسئولیت و هوشیاری این دست آورد را چه در طول کنگره و چه در تعیین منشی و برنامه سال آینده مورد توجه قرار دهند.

کفدراسیون جهانی در سال آینده وظایف خطیری در پیش خواهد داشت. زیرا رژیم همراه تشدید فشار به روی مبارزان ضد رژیم در ایران، توطئه گری و دسیسه چینی خود را در مورد کفدراسیون افزایش خواهد داد. بنابراین بیگار ارزشوند و دو جندانی در پیش گنیه دانست جویان مبارز قرار دارد که استفاده از اکثر امکانات را ضروری میسازد.

ما عمقاً معتقدیم که کفدراسیون جهانی با تکیه به وحدت درونی و بیگار حوی خود، همراه با تشکل هر جا بیشتر توده های دانشجو در انجام این وظایف پیروزنده به موفقیتهای نوینی دست خواهد یافت.

با اطمینان راسخ داریم که انقلابی واقعی بنگال با تلفیق مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوسه در شرایط متحرک کشور خود خواهند توانست به آزادی ملی و رسائی از ستم امپریالیستها، سوسیال - امپریالیستها، توسعه طلبان هند و مرتجعین داخلی، دست یابند.

توده های وسیع را در پیکار برای دفاع از زندانیان میهن پرست متشکل کنیم